

پیشگامان بلاغت فارسی در شبهقاره هندوستان

غلامعلی فلاح*

چکیده

بدون تردید شبهقاره هندوستان در غنا و ترویج زبان و ادبیات فارسی سهم انکارنابذیری داشته و آثار ماندگاری در حوزه‌های مختلف ادبیات به ویژه حوزه بلاغت فارسی خلق کرده است که با نوعی خلاقیت و ابتکار منحصر به فرد همراه بوده است. در این مقاله کوشیده‌ایم با تکیه بر چند اثر بلاغی برتر شبهقاره مانند جامع‌الصنایع و الازران سیف جام هروی و سبحة‌المرجان و غزلان‌الهند آزاد بلگرامی و حدائق‌البلاغه فقیر دهلوی این نکته را تبیین کنیم که این سه اثر برخلاف دیگر آثار بلاغت اسلامی که تا حدودی متأثر از اندیشه‌های یونانی بوده‌اند، عمدتاً تحت تأثیر بلاغت سانسکریت به رشتة تحریر درآمده‌اند. همچنین نشان داده‌ایم که سه اثر نه تنها دربرگیرنده معیارهای نظری زیباشناسی و عناصر ادبی هستند بلکه نوعی نقد عملی را نیز دربرگرفته‌اند و در پایان به مهم‌ترین اشتراک‌های این آثار اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: بلاغت فارسی، شبهقاره، فقیر دهلوی، جام هروی، آزاد بلگرامی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی fallah@knu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۳
مجله مطالعات و تحقیقات ادبی، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱۸

۱. مقدمه

فرهنگ و ادب ایران بعد از اسلام تاکنون از سه منبع خارج از قلمرو ایران، عرب، هند و غرب متأثر شده است، اما صرفاً تأثیرپذیری از یکی از این منابع بوده که برچسبی ناخواهایند به نام عرب‌زدگی یا غرب‌زدگی را به دنبال نداشته است و آن منبع غنی فرهنگ و ادب شبههقاره هندوستان است که نه تنها باعث ترویج و غنای زبان و ادب فارسی شد و به روی شاعران و ادبیان ما آغوش گشود و پذیرای آنان شد، بلکه ادبیان آن سرزمین نیز به دلایل متعددی در ترویج و غنای فرهنگ و ادب ایران‌زمین کوشیدند و در حوزه‌های مختلف آثار بی‌نظیر و ماندگاری خلق کردند که سخت شایان توجه بوده است و خواهد بود. یکی از این حوزه‌ها که با نوعی خلاقیت و ابتکار منحصر به فرد همراه بوده حوزه بلاught فارسی است. قدیم‌ترین آثار بلاught فارسی تحت تأثیر آثار بدیع بلاعی عرب از سده پنجم به بعد به رشتة تألیف درآمده است. قدیم‌ترین کتاب ترجمان البلاعه است که به زیبایی‌شناسی سروده‌های شاعران عصر سامانی و غزنی تعلق دارد. پس از آن آثار مفصل‌تری به نام حدائق السحر فی دقایق الشعر و المعجم فی معاییر اشعار العجم تألیف شدند. اغلب آثاری که در سده‌های هشتم و نهم مانند حقایق الحدائق و بدایع الافکار به رشتة تألیف درآمدند بازنویسی و نقل مطالب المعجم و حدائق السحر بودند^۱ و نوآوری و تازگی نداشتند، اما از سده هشتم به بعد تعداد معددی کتاب در شبههقاره به همت ادبیان آنجا نوشته شد که با بدیع و بلاught هندی و نگرش زیبایی‌شناسخی هندی آمیخته بود و تا حدودی از ابداع و نوآوری برخوردار بود. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به جامع الصنایع و الاوزان و سجحة المرجان و غزلان الهند و حدائق البلاعه اشاره کرد که در این مقال به بررسی این آثار خواهیم پرداخت.

۲. جامع الصنایع و الاوزان

قدیمی‌ترین اثر بلاعی موجود که در شبههقاره به رشتة تحریر درآمد کتاب ارزنده جامع الصنایع و الاوزان است. این کتاب در بدیع و بلاught و عروض و سبک‌شناسی است که سیف جام هروی از علمای قرن هشتم هجری به نام شاهزاده فتحخان (متوفی ۷۷۸ق.) فرزند فیروزشاه تُغلق (۷۵۲-۷۹۰) تألیف کرده است. بنایراین، کتاب باید قبل از مرگ شاهزاده (۷۷۸ق.) تألیف شده باشد (فتوحی، ۱۳۷۹: ۱۷۹).^۲

سیف جام هروی آثار متعدد و مختلفی دارد؛ از جمله دیباچه فتاوی سلطانی در چهار مذهب مسلمانی و مجموعه لطایف و سفینه ظرایف (در داشت بلاught و صنایع و اصطلاحات شعر). او همچنین صاحب دیوان شعری بوده است.

نویسنده کتاب خود را به طرز مترسانه نوشته و آن را از «طرز خسروانه» جدا کرده است. مرادش از طرز خسروانه، طرز و سبک امیرخسرو دهلوی است. او می‌گوید که کتاب را به طرز خسروانه ننوشته است، زیرا غرضش از تألیف آن تعلیم و تفہیم بوده، اما می‌گوید: «اگر طرز خسروانه می‌بود شیرین‌تر و رنگین‌تر می‌نمود». در توصیف طرز خسروانه می‌نویسد: «همه ایهام و خیالات است و اطلاع همه بر آن از محالات، طرز خسروانه مانند علم حقیقت است که همه را علو شآن او روشن و سهو بیان او میرهن است ولیکن کسی را بدان پایه کمتر دست رسد. طرز مترسانه به علم شریعت ماند که به جد و جهد به کسب حاصل توان کرد و زود بدان وصل توان شد» (همان، ۱۸۰).

سیف جام هروی در این اثر به مباحثی چند پرداخته است، از جمله نقد ادبی و سبک‌شناسی شعر فارسی که این همه، از ژرفاندیشی و دانش مؤلف حکایت می‌کند. او معتقد است هنر شاعری از سادگی به سوی کمال و پیچیدگی پیش می‌رود و فضل متقدمان خود را فراموش نمی‌کند و حرمت آنان را پاس می‌دارد، البته با این همه دو اصل ادبیات کهنه: «یجوز للشاعر ما لا يجوز لغيره» و «المعنى في قلب الشاعر» را نمی‌پذیرد و هدف انتقاد قرار می‌دهد و طبع را که ملکه شاعری است فطري و فيض يزدانی می‌داند و آن را اكتسابي نمی‌شمارد.

مؤلف در این اثر شاعران را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کند: دسته‌ای که در بلاغت و دقت معنی می‌کوشند و به ترکیب نظر ندارند؛ دسته‌ای نیز در تهذیب لفظ می‌کوشند و به بلاغت و رقت معنی عنايتی ندارند؛ دسته سوم شاعرانی هستند که جانب اعتدال در لفظ و معنی را نگه می‌دارند. در ادامه شاعران فارسی را از منظرهای مختلف طبقه‌بندی می‌کند و هر شاعر برجسته‌ای را به نوع شعر خاصی منتبه می‌دارد. او به طور کلی طرزهای شاعران را ده قسم می‌داند این به شرح:

۱. حکیمانه از آن سنایی است؛ ۲. کاملانه از آن خاقانی است؛ ۳. فاضلانه از آن انوری است؛ ۴. مترسانه از آن ظهیر فاریابی است؛ ۵. مدفونانه از آن کمال الدین اسماعیل است؛ ۶. محققانه از آن عبدالواسع جبلی است؛ ۷ و ۸. ندیمانه از آن فردوسی و نظامی است؛ ۹. عاشقانه از آن سعدی است؛ ۱۰. خسروانه طرز امیر خسرو دهلوی است (نوشاھی، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۶).^۳

۳. سُبْحَةُ الْمَرْجَانِ فِي آثارِ هَنْدُوْسْتَانِ وَغِزَّلَانِ الْبَندِ

غلامعلی آزاد بلگرامی (۱۱۱۶-۱۲۰۰ق) بی‌شک برجسته‌ترین محقق ادبی سده‌های دهم تا سیزدهم هجری در ایران و شبهقاره است. او منتقدی است تیزبین با دانشی وسیع،

زبان‌های فارسی و عربی و هندی را خوب آموخته و نقدهایش علمی و روشمند^۴ است. بلگرامی در تاریخ دانش و ادب در شبۀ قاره هند جایگاه ممتازی دارد و در کنار چهره‌های مهمی چون سید عبدالحی حسن، صاحب ترجمه‌الخواطر و بهجۃ‌المسامع و النواظر و سید صدیق حسن‌خان، صاحب بجد‌العلوم و شیخ رحمن علی نویسنده‌تذکره علماء هند قرار می‌گیرد و حتی در حوزه‌بلاغت برتر از آنهاست.

آزاد نه تنها در تحقیقات و تألیفات ادبی مستعد و توانا بود که بدون تردید در حوزه‌شعر از شاعران مستعد و صاحب ذوقی بود که به زبان‌های عربی، فارسی و هندی شعرهای سیاری سروده و در هر سه زبان مقتصرا و توانمند ظهور کرده است.^۵

کتاب سیحة‌المرجان او (تألیف ۱۷۷۱ق) اثری تطبیقی در زیبایی‌شناسی شعر هندی فارسی و عربی است. انگیزه اصلی او از تألیف این اثر انتقال دانش‌های بلاغی-بدیعی هندی به زبان عربی بوده است. این کتاب به زبان عربی در چهار فصل به‌این‌ترتیب تدوین یافته است:

فصل اول: فيما جاء من ذكر الهند في التفسير والحديث

فصل دوم: في الذكر للعلماء انار الله براهينهم

فصل سوم: في محسنات الكلام

فصل چهارم: في المعشوق والعشاق

دو فصل سوم و چهارم که به علم بدیع و علم عاشقی مربوط می‌شوند از حیث محتوا شباهت زیادی به باب‌های اول تا چهارم کتاب تحفة‌الهند دارند (فتحی، ۱۳۷۹: ۲-۴).^۶

کتاب غزلان‌الهند ترجمه‌فارسی فصل‌های سوم و چهارم کتاب سیحة‌المرجان است که خود مؤلف به خواهش دو تن از شاگردانش در سال ۱۱۷۸ق. از عربی به فارسی درآورده تا «نوای دلگشای طوطیان هند را به گوش صاحب‌طبعان فرس برساند» (بلگرامی، ۱۳۸۲: ۲۴). این اثر کتابی مختصر در توضیح و انتقال پاره‌ای از علوم بلاغی هندوان به زبان فارسی و بافتمن معادل آنها در شعر فارسی و کلاً بر دو بخش است: یکی در علوم بلاغی متعارف یعنی بخشی از بیان (تشبیه) و بدیع معنوی هندی که مؤلف پس از توضیح برای آنها از شعر فارسی مثال آورده است. دوم در صفات معنوی عاشق و معشوق، مبتنی بر منابع هندی.

نویسنده پس از توضیح این نکته که معشوق شعر فارسی برخلاف شعر هندی معمولاً مذکور است، برای آنها در شعر فارسی مسامحتاً مصادیقی جسته است. نویسنده در جنب این هر دو مورد پاره‌ای از یافته‌های خود را هم مطرح کرده است. از هر دو جنبه اهمیت کتاب در این است که برخلاف کتاب‌های معمول از دیدگاه مسائل معنایی به شعر فارسی نگریسته

نه لفظی، و بنابراین می‌توان این کتاب را رساله‌ای در موضوع یا مضمون به‌طور کلی معنی‌شناسی شعر فارسی دانست.

در باب بخش اول از دیدگاه مباحث جدید بلاغی می‌توان گفت برخی وجوده ادبیت شعر فارسی را به‌لحاظ مسائل معنوی (بیان و بدیع معنوی) توضیح داده است.

بخش دوم کتاب در صفات عاشق و معشوق است؛ هندیان در این زمینه علمی دارند موسوم به نایکابهید. نایکا به معنی زن و معشوق و بهید همان وید و ودا به معنی دانش است. روی‌هم رفته یعنی دانش زنان، زن‌شناسی و در آن از صفات مختلف زن (معشوق) مثلاً وفادار، جفاکار، صالحه، طالحه و امثال این سخن گفته شده و آزاد برای هر دو ابیاتی از شعر فارسی آورده است. این بحث بسیار جالب توجه و نو است؛ زیرا در آثار ما بیشتر به مشخصات ظاهری یعنی زیبایی معشوق (مثلاً کمرباریک، زلف دراز، ابروی کمانی) توجه شده است تا صفات معنوی. در این بخش مؤلف تذکر می‌دهد که در ادب هندی اظهار عشق از طرف زن است و در حقیقت زن عاشق است و مرد معشوق که برعکس شعر فارسی است. سپس اشاره می‌کند که در شعر فارسی (و ترکی) برخلاف شعر هندی و عربی عاشق و معشوق هردو مذکورند. آزاد بلگرامی به قیاس صفات زنان، برای مردان هم صفاتی ذکر کرده و آن‌گاه از شعر فارسی شاهد جسته است.

گرچه غزلان‌الهند ترجمة لفظ به لفظ سبحة‌المرجان است، با اصل عربی تفاوت فراوان دارد و «خود کتاب مستقلی می‌تواند باشد. تفاوت اساسی دو کتاب در نمونه‌ها و شواهد آنهاست. شواهد و نمونه‌های سبحة‌المرجان عربی است و شواهد غزلان‌الهند از شعر شاعران فارسی معاصر مؤلف است. شواهدی که برای آرایه‌های ابداعی خود از شعر فارسی آورده، به خاطر بیان عناصر جمال‌شناسی شعر سبک هندی اهمیت خاصی دارد. پاره‌ای از این آرایه‌ها از مشخصه‌های خاص سبک هندی است و در شعر دوره‌های پیش کمتر به کار رفته است. اگرچه تعریف برخی آرایه‌ها مبهم و نارسانست، اما به مدد همین نمونه‌های فارسی می‌توان آن آرایه‌ها را شناخت. سبحة‌المرجان از این ویژگی برخوردار نیست، به دو علت: یکی آنکه آرایه‌های ابداعی مؤلف مربوط به عناصر شعر فارسی و به‌ویژه سبک هندی است، ولی نمونه‌ها عربی است. دوم آنکه بیشتر شواهد از شعر شاعران عرب نیست، بلکه سروده خود مؤلف است. از این جهت، آزاد بلگرامی در بیان مبانی جمال‌شناسی شعر فارسی به‌وسیله

شعر عربی چندان موفق نیست و اغلب نمونه‌ها تصنیع می‌نماید، حال آنکه شواهد فارسی غزلان‌الهند به‌آسانی با تعریف آرایه‌ها منطبق است» (فتوحی، ۱۳۷۹: ۲۰۴-۲۰۵).

۴. حدائق‌البلاغه

یکی از آثار بلاغی که در سال ۱۱۶۸ ه.ق. به‌وسیله شمس‌الدین فقیر دهلوی (۱۱۱۵-۱۱۸۳ هق) در هندوستان به فارسی تألیف شده حدائق‌البلاغه است. میرشمس‌الدین فقیر دهلوی که در شعر «مفتون» تخلص می‌کرد، در سال ۱۱۱۵ هجری قمری در دارالخلافة شاهجهان‌آباد (دهلی) متولد شد. او از بزرگ‌زادگان دهلوی بود و در فقه، حدیث، تصوف، شعر، انشا، عروض و قافیه، معانی و بیان و بدیع و دیگر علوم زمان مهارت داشت...^۷

حدائق‌البلاغه مشتمل بر یک دیباچه و پنج حدیقه و یک خاتمه است. فقیر دهلوی در دیباچه کتاب می‌نویسد: «...فن شعر از نفائیں فنون و لطایف علوم است و در هر جزو زمانی پیرایه افتخار حکمای نامدار و سرمایه مباهات فضایی عالی مقدار بوده و پیوسته فضایی بلاغت‌آیین و بلغای فصاحت‌آفرین به‌وسیله این فن شریف و پیشۀ لطیف، زینت‌بخش عزت و اقبال و صدر آرای ایران حشمت و اجلال بوده‌اند...» (فقیر دهلوی، ۱۸۸۷: م: ص ۴).

در ادامه دیباچه نیز پس از معرفی خود به بیان انگیزه و هدف تألیف کتاب حدائق‌البلاغه و وجه تسمیه آن می‌پردازد: «راقم حروف، شمس‌الدین فقیر، که به تمنای ظل همای سعادت‌فزای معنی، عمری در این فن استخوان شکسته و در زاویه خمول منتظر لطیفة غیبی نشسته، غیر از سخن، همدیمی، و به جز کتاب، اینیسی ندارد. چون از دیرباز مکنون خاطر بود که اگر فرصت وقت دست دهد و توفیق مساعدت نماید، مجموع فنونی که در شعر و شاعری از آن گریز نمی‌باشد در یک کتاب سمت اندراج یابد تا... چون صورت این معنی در آینه خاطر مرتسم گردد، به اتمام این امر جلیل‌القدر کمر اهتمام بربستم و به توفیق باری - عزاسمه - به اندک فرصتی، مرکوز ضمیر را در نیکوترین صورتی جلوه ظهور بخشیدم. این کتاب، چون مشتمل بر فنون بلاغت است، به حدائق‌البلاغه موسوم گردید و مبتنی بر پنج حدیقه و خاتمه شد...» (همان، ۴-۵).

حدیقه نخست آن در علم بیان است و آن در چهار شجره اصلی، تشبیه (با پنج فرع) استعاره (با چهار ثمره)، مجاز مرسل (با نه نوع) و کنایه و اقسام آن.

حدیقه دوم آن در بیان صنایع لفظی (قلب کل، قلب بعض، اشتقاء، ردالعجز علی‌الصدر، مقطع، سجع، ذوقافتیین، مثّلون، سیاقه‌الاعداد، توشیح، تنسیق‌الصفات) است.

حدیقه سوم آن در علم عروض است.

حدیقه چهارم آن در علم قوافي، حروف قافیه، عیوب قافیه و انواع قافیه است.

حدیقه پنجم در فن معماست.

نویسنده در نگارش این کتاب از مطول و شرح مختصر المعنای علامه تفتازانی تأثیر پذیرفته است. مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارت است از:

الف) گستردگی و جامعیت اثر

ب) تفکیک علوم بلاغی - بدیعی از یکدیگر و ترتیب و فصل‌بندی دقیق مباحث

ج) کثرت و تعدد شواهد فارسی و تطبیق قواعد و مباحث بلاغی عربی با آنها

د) استناد به اقوال و آثار پیشینیان و نقد آنها

ه) نقد و تحلیل‌ها و نظریات مؤلف حدائق‌البلاغه

و) ارائه یک رساله جامع و مفید و کمنظیر از عروض و قافیه فارسی و معما در کنار دیگر علوم بلاغی.

نتیجه‌گیری

این مثلث بلاغت نظری- عملی- فارسی جامع الصنایع، غزلان‌الهند و حدائق‌البلاغه، که نه تنها در برگیرنده معیارهای زیبایی‌شناسی و عناصر ادبی است بلکه به‌طور عملی به نقد و ارزیابی آثار ادبی اعم از شعر و نثر می‌پردازد، شباهت بسیاری به مثلث بلاغت اسلامی: *البيان والتبيين* جاحظ، *اسرار البلاغة* عبدالقاهر جرجانی و *منهج البلاغة* و *سراج الادباء* ابن حازم دارد و می‌توان آن را قرینه‌ای برای مثلث بلاغت عالم اسلام بهشمار آورد.

چنان‌که می‌دانیم، آثار بلاغی جهان اسلام عمده‌تاً تحت تأثیر بلاغت یونان به رشتۀ تحریر درآمده، به‌ویژه اثر مستطاب ابن حازم سخت از اندیشه‌های متفکران یونان متأثر بود، گرچه دو اثر دیگر که در حوزه‌های عراق و ایران تدوین شد نیز به‌واسطه بیت‌الحكمة مأمون که مرکز ترجمه آثار یونانی بود، تحت تأثیر تشعشعات فکر یونانی قرار داشت و همچنین می‌توان مدعی شد که به‌طور غیرمستقیم جاحظ بصری و عبدالقاهر جرجانی نیز از بلاغت هندی باید تأثیر پذیرفته باشند؛ مجال طرح دلایل این ادعا در این مقاله نیست و اگر توفیقی باشد در مجله دیگر بدان خواهیم پرداخت.

اضلاع مثلث بلاغت فارسی هندی‌نگار نیز تحت تأثیر بلاغت سانسکریت به رشتۀ تحریر درآمده است و زبان فارسی برای این ادبیان و متفکران هندی، حکم زبان عربی را برای بلاغيون ایراني و غير ايراني داشته است.

علاوه‌بر این، قدرمشترک‌های دیگری نیز می‌توان برای ضلع‌های مثلث بلاغت فارسی هندوستان بر شمرد، از جمله:

۱. ادیبان بلاغی شبه‌قاره هر سه شاعرانی برجسته بودند.
۲. هرسه به دانش‌های ادبی روزگار خود واقف بوده و به همه این دانش‌ها عنایت کرده‌اند.
۳. هرسه تن فارس میدان عربی و فارسی و هندی بوده‌اند و بی‌شک در نگارش آثار خود تحت تأثیر جریان بلاغت اسلامی-عربی بوده‌اند، بهویژه آثار بلاغی کلاسیک عرب مثل مطول و مختصر المعنی.
۴. نکته دیگر اینکه اینان ابتدا زبان فارسی را فراگرفته و پس از آن در زبان عربی سرآمد شده‌اند.
۵. آثار اینان مبتنی بر بعد نظری و عملی است.

پی‌نوشت

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک. مقدمه حقایق الحدائق، و نیز مقدمه بدایع الافکار.
۲. و نیز ر. ک. نوشاهی، جامع الصنایع والاوزان. سبک‌شناسی شعر، ص ۴۳.
۳. نیز ر. ک. نقد خیال، ۱۹۰-۱۹۱.
۴. درباره آثار و زندگی آزاد بلگرامی ر.ک. غلامعلی آزاد البلغرامی: حیاته و شخصیته اعداد سید محمد طارق ال‌ماجیستر ماقبل доктора.
۵. درباره آثار و زندگی آزاد بلگرامی ر.ک. غزلان‌الهند و نقد خیال، ۲، ۳ - ۲، ۴؛ تذکرة نتایج الافکار، ۸۷-۹۲.
۶. نیز ر.ک: غزلان‌الهند.
۷. درباره شرح احوال وی ر.ک. مجمع النفائس، ۵-۷۰، تذکرة نتایج الافکار، ۴۷-۵۴، خزانة عامره، ۳۷۵؛ آتشکده آذر، ۵۲۴؛ رضائی آردانی؛ فقیر دهلوی، ۳۱-۴۱.

منابع

- آذر بیگدلی، لطف‌علی بیگ (۱۳۷۸) آتشکده. بخش سوم. به کوشش میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- آزو، سراج‌الدین علی خان (۱۳۸۵) مجمع النفائس. با تصحیح مهرنور محمدخان و دکتر سرافراز ظفر. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- آزاد بلگرامی، میر غلامعلی (۱۹۰۰) خزانة عامره. کانپور: نول کشور.
- _____ (۱۳۸۲) غزلان‌الهند. مطالعه تطبیقی بلاغت هنری و فارسی به انضمام فصلی در زن‌شناسی. تصحیح سیروس شمیسا. تهران: صدای معاصر.
- _____ (۱۹۱۷) مآثر‌الکرام (تاریخ بلگرام)، لاہور: مکتبه احیاء العلوم الشرقيه.
- اته، هرمان (۱۳۵۶) تاریخ ادبیات فارسی. ترجمه رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رضایی اردانی، فضل‌الله (۱۳۸۶) «فقیر دهلوی، شخصیت برجسته علوم بلاغی فارسی در هند». پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان. دوره ۵. شماره ۸: ۲۷-۵۰.
- عاشقی عظیم‌آبادی، حسینقلی خان (۱۹۸۳) تذکرة نشر عشق. با تصحیح و مقدمه اصغر جانفدا. زیرنظر اعلاخان افصح زاد و جابلقا داد علیشاپیف. دوشنیه: نشریات دانش.
- فتوحی، محمود (۱۳۷۹) نقد خیال (نقد ادبی در سبک هندی). تهران: روزگار.

فقیر دهلوی (۱۸۸۷) حدائق‌البلاغه. لکهنو: چاپ سنگی.

گوپاموی، محمد قدرت‌الله (۱۳۱۶) نتایج‌الافکار. به کوشش اردشیر خاضع. بمیئی: چاپخانه سلطنتی.
محمود، سیدفیاض و سید وزیر الحسن عابدی (۱۳۸۰) تاریخ/ادبیات فارسی در شبهقاره هند. ترجمه
مریم ناطق شریف. تهران: رهنمون.

نقوی، علیرضا (۱۳۴۳) تذکرہ‌نویسی در هند و پاکستان. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
نوشاهی، عارف (۱۳۸۱) «جامع الصنایع و الاوزان»، از مأخذ کهن فارسی در علوم بلاغی و
سبک‌شناسی شعر. مجله معارف. سال ۱۹. شماره یک (پیاپی ۵۵): ۴۹-۳۶.

واله داغستانی، علی قلی خان (۲۸۴) ریاض‌الشعراء. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان (۱۳۷۱) تذکرہ مخزن‌الغرائب. به‌اهتمام محمدانباقر اسلام‌آباد:
مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

هدایت، رضا قلی خان (۱۳۴۴) ریاض‌العارفین. به کوشش مهر گرانی. تهران: کتابفروشی محمودی.
هندي، بهگوان داس (۱۹۵۸) سفینه هندی. به تصحیح سید شاه‌محمد عطا الرحمن کاکوی. پتنه.
ادارة تحقیقات عربی و فارسی پتنه.